

سرمقاله

ضرورت مبارزه با تروریسم
در دو سوی مرز

مهدی مدبر

حمله بر یک زیارت در ایالت سند پاکستان باعث شد که روابط این کشور با افغانستان تنش آلود گردد. پاکستان در واکنش به این حمله مرزهای خود با افغانستان را بست و اعا کرد که عاملان این حمله در افغانستان پنهان شده است و لیست ۷۶ نفر تروریست را به دولت افغانستان سپرد تا علیه آنها اقدام شود. حکومت افغانستان نیز دیروز لیست ۳۲ مرکز آموزشی تروریستی و ۸۵ نفر از مقامات ارشد طالبان و سایر گروه های تروریستی را به پاکستان داده است و گفته شده است این گروه ها و افراد از خاک پاکستان علیه افغانستان فعالیت می کنند. حکومت افغانستان از پاکستان خواسته است که علیه این گروه ها و افراد اقدام کند. حکومت افغانستان پیش از این نیز چنین لیست های به پاکستان سپرده بود اما پاکستان توجهی به آنها نکرده بود، گفته می شود این بار پاسخ ابتدایی مقامات پاکستانی مثبت بوده است و انتظار می رود این خواسته دولت افغانستان عملی گردد.

تنش در روابط سیاسی افغانستان و پاکستان عوامل گوناگون دارد؛ اما مسئله با مبارزه با تروریسم و هراس افکنی یکی از عوامل آن است. حکومت افغانستان همواره ادعا کرده است که گروه های تروریستی در خاک پاکستان پناهگاه دارد و از آنجا حملات تروریستی را علیه دولت و مردم افغانستان سازمان دهی می کنند، اکنون حکومت پاکستان اعدای مشابه دارد و از دولت افغانستان می خواهد علیه گروه های تروریستی که مردم پاکستان را تهدید می کند، اقدام کند.

واقعیت امر این است که گروه های تروریستی دشمن مردم هر دو کشور است، آنها همچنان که افراد ملکی، زنان و اطفال افغانستان را به خاک و خون می نشانند، مردم پاکستان را نیز قربانی می کنند و به سوگ می نشانند. به همین خاطر ضرورت است که حکومت پاکستان و افغانستان بطور مشترک علیه گروه های تروریستی اقدام کنند و برای نابودی آنها همکاری های استخباراتی و سیاسی داشته باشند.

بعد از حمله تروریستی در ایالت سند، حکومت پاکستان باید به این واقعیت پی برده باشد که بدون همکاری مشترک در امر مبارزه با تروریسم، ثبات و امنیت پاکستان نیز در خطر قرار خواهد داشت و از سوی گروه های تروریستی تهدید خواهد شد. اکنون باید زمان آن رسیده باشد که مقامات اسلام آباد بپذیرند که ثبات در افغانستان می تواند ثبات در پاکستان را تقویت کند و بی ثباتی و نا امنی در افغانستان می تواند ثبات و امنیت پاکستان را به تهدید مواجه کند.

مبارزه هماهنگ و مشترک با تروریسم و هراس افکنی در دو سوی مرزها، از ضرورت های اساسی برای تامین ثبات و امنیت هر دو کشور است. تا زمانی که ترویست ها بتوانند آزادانه از مرزها عبور کنند و حملات انتحاری و تروریستی شان را انجام دهند و بعد در پناهگاه های امن شان مستقر شوند، ثبات هر دو کشور با تهدید مواجه خواهد بود.

مهمترین مسئله این است که پناهگاههای امن گروه های تروریستی در هر کجای که هست باید نابود گردد. گروه های تروریستی تا زمانی که دارای پناهگاههای امن باشند و بتوانند از آنجا طرح و نقشه حملات تروریستی را بریزند، از قدرت خلق چالش و نا امن کردن افغانستان و پاکستان برخوردار خواهند بود و حملات مرگبار انتحاری شان را ادامه خواهند داد. اقدام علیه گروه های تروریستی و افرادی که در لیست های هر دو کشور شامل است، علاوه بر اینکه در امر مبارزه با تروریسم موثر است و باعث تضعیف گروه های تروریستی می گردد و اعتماد بین سران هر دو کشور را نیز افزایش خواهد داد. بی اعتمادی از مهمترین عواملی است که تا کنون مانع شکل گیری تلاش های مشترک علیه گروه های تروریستی در دو سوی مرز شده است.

دوام بی اعتمادی و تنش بین سران پاکستان و افغانستان، منافع هر دو کشور را به خطر خواهد انداخت و گروه های تروریستی با استفاده از این گونه فرصت ها، مردم بی گناه هر دو کشور را هدف قرار خواهد داد و نا امنی و بی ثباتی در دو سوی مرز افزایش خواهد یافت.

کابل، دیروز لیست مفصلی را از مراکز آموزشی و چهره های گروه طالبان و شبکه ی حقانی که در قلمرو پاکستان علیه منافع افغانستان فعالیت دارند، در اختیار اسلام آباد قرار داد. آن گونه که وزارت خارجه افغانستان می گوید، در این لیست، تمامی مشخصات، نشانی ها و آدرس های دقیق ۳۲ مرکز آموزشی گروه های تروریستی و ۸۵ نفر از رهبران و چهره های گروه طالبان و شبکه ی حقانی و دیگر گروه های تروریستی در اختیار اسلام آباد قرار داده شده است. در مقابل، پاکستان نیز پس از حمله هفته گذشته بر یک زیارتگاه در این کشور، لیست ۷۶ نفری از چهره های تروریست را در اختیار دولت کابل قرار داد.

در تبادل لیست ها، از سوی هر دو حکومت، خواست مشترکی وجود دارد: اقدام عملی علیه لانه های تروریستان، بازداشت افراد ناشناس لیست و تحویل دهی آن به هر دو حکومت. تا این جای کار، اقدامات هر دو حکومت، واکنشی است تا واقعی و اقدام جدی — عملی. تجربه نشان داده است، هر باری که پاکستان از ناحیه گروه های تروریستی صدمه دیده، اقدامات واکنشی تندی را روی دست گرفته است. به گونه مثال، در سال ۲۰۱۴، وقتی که تحریک طالبان پاکستانی (تی. تی. پی) مکتب نظامی پیشاور را هدف قرار داد که در پی آن دانش آموزان زیادی جان داد، پاکستان برای مدت کوتاهی حملات نظامی را در مناطق قبایلی شدت بخشید. اما نتیجه این اقدام آن شد که شماری از افراد گروه عامل حمله، خاستگاه خود را ترک و در مناطق شرقی افغانستان فرار کردند. این کار باعث شد که این چهره های فراری، حملات خود را در نقاط مختلف افغانستان افزایش دهند. هزینه ی این اقدام پاکستان را کابل پرداخت؛ ولی نه به امنیت پاکستان انجامید و نه هم لانه های عامل حمله مکتب پیشاور از خاک این کشور برچیده شد.

تنسیم ابراهیمی



هایی را از چهره های تروریست آن ها وجود مخالفت های جدی، توافق نامه تبادل اطلاعات استخباراتی را در سال ۲۰۱۵ به امضا رساندند، ولی به نظر می رسد که این توافق نامه صرف در حد متن روی کاغذ باقی مانده است و هر دو حکومت، به دلیل تنش های سیاسی، از مفاد آن استفاده نتوانسته اند و یا نخواسته اند که استفاده کنند. در عوض، هر دو حکومت به تبلیغات رسانه ای علیه هم دیگر پرداخته اند، تا جایی منجر به نفرت پراکنی میان ملت هر دو کشور شده است. چنانچه در ماه قوس سال جاری، رئیس جمهور غنی در نشست قلب آسیا که در هند برگزار شد، علیه پاکستان سخنانی کرد و رسانه های پاکستانی نیز با کاربرد واژه های رزیک علیه افغانستان سخن راندند. در کنار آن، حکومت کابل، با هر حمله ای که شهر کابل و دیگر نقاط کشور انجام شده، حکومت پاکستان را مقصر دانسته است و چند باری نیز لیست

هایی را از چهره های تروریست آن ها وجود مخالفت های جدی، توافق نامه تبادل اطلاعات استخباراتی را در سال ۲۰۱۵ به امضا رساندند، ولی به نظر می رسد که این توافق نامه صرف در حد متن روی کاغذ باقی مانده است و هر دو حکومت، به دلیل تنش های سیاسی، از مفاد آن استفاده نتوانسته اند و یا نخواسته اند که استفاده کنند. در عوض، هر دو حکومت به تبلیغات رسانه ای علیه هم دیگر پرداخته اند، تا جایی منجر به نفرت پراکنی میان ملت هر دو کشور شده است. چنانچه در ماه قوس سال جاری، رئیس جمهور غنی در نشست قلب آسیا که در هند برگزار شد، علیه پاکستان سخنانی کرد و رسانه های پاکستانی نیز با کاربرد واژه های رزیک علیه افغانستان سخن راندند. در کنار آن، حکومت کابل، با هر حمله ای که شهر کابل و دیگر نقاط کشور انجام شده، حکومت پاکستان را مقصر دانسته است و چند باری نیز لیست

ضرورت عادی سازی روابط میان کابل و اسلام آباد

رضا احسانی



این روزها کابل و اسلام آباد روابط بر تنش را تجربه می کند. پس از حمله انتحاری در پاکستان که در آن بیش از ۹۰ نفر کشته و بیش از ۳۰۰ تن زخمی شدند، پاکستان انگشت اتهام را به طرف افغانستان نشانه گرفت و مدعی شد که تروریست از خاک افغانستان این حمله را سازماندهی کرده است و در پی این ادعا لیست ۷۶ نفری را تسلیم حکومت افغانستان کرد و خواهان تحویل دهی این افراد به اسلام آباد گردید. پاکستان به صورت یکنانه مرزهای دو کشور را بست و موشک پرانی به ولایات مرزی را پس از مدتی بار دگر از سر گرفت. افغانستان اما این ادعاها را رد کرده است و در مقابل لیست دیگری را که شامل نشانی و آدرس های ۳۲ مرکز آموزش هراس افکنی و ۸۵ نفر از رهبران و فرماندهان گروه های تروریستی می شود، به حکومت پاکستان تسلیم کرده است.

البته روابط دو کشور همسایه افغانستان و پاکستان تنها تحت تأثیر حملات تروریستی نیست، بلکه این روابط در اثر عوامل مختلف از دیر زمان تا کنون با فراز و نشیب های بسیاری همراه بوده است. این روابط را با خطرات بیشتری مواجه کرده است. در گذشته حاکمان دو کشور به دلیل گرایش های قدرتمندشان گاه ایجاد رابطه تنش آلود و متشنج را به نفع خود دانسته و برای همین تیره شدن روابط را به عنوان یک تاکتیک روی دست داشته اند. از دیگر سو، برخلاف حکومت ها، مردمان دو کشور همسایه همواره از حسن نظر فوق العاده ای نسبت به یکدیگر برخوردار بوده و احساس قربایت و همسانی های فراوانی دارند. سالهاست که میلیون ها مهاجر افغان در کنار شهروندان پاکستان زندگی می کنند و در طول این سالها، هیچ نشانه ای از ناراضی و احساس بدبینی نسبت به عملکرد میزبانان مشاهده نشده است. به دلیل همگونی های فرهنگی و مذهبی افغانستان و پاکستان، خانه مشترک شهروندان دو کشور شمرده می شود. متقابلاً مردم افغانستان نیز در فرایند تاریخی و در صورت لزوم مردم پاکستان را باری کرده و این روند تا کنون بدون هیچ دگرگونی ادامه دارد. بنابراین بر خلاف حکومت ها، شهروندان دو کشور همسایه در فرازهای تاریخ روابط بسیار نیک و خوبی داشته اند.

زمانی که حکومت وحدت ملی قدرت سیاسی را به دست گرفت، تحول بنیادی در سیاست خارجی کشور رونما شد. اشرف غنی روابط با پاکستان را در اولویت سیاست خارجی حکومتش قرار داد. او به پاکستان سفر کرد و بعد از دیدار با نواز

شریف، نخست وزیر پاکستان به دیدار رئیس ارتش پاکستان در مقر نظامی این کشور رفت. این مسئله نشان داد که در نسج جمهوری به نقش پاکستان در آوردن و بستن و ثبات در افغانستان واقف است. پاکستان نیز از حضور اشرف غنی در اسلام آباد استقبال بی نظیر کرد. حکومت وحدت ملی برخلاف گذشته تعدادی از افسران نیروهای امنیتی کشور را برای آموزش به پاکستان فرستاد و این چرخش نشان می داد که هر دو جانب علاقه مندانه تا بیخ های به وجود آمده در روابط فیمابین آب شود و این دو کشور در سایه تفاهات دوجانبه مناسبات دوستانه ای را در آینده در پیش بگیرند.

پیش بینی می شد که روابط دو کشور به مرور زمان بهبود یافته و در نهایت پاکستان حاضر به آوردن گروه طالبان به میز مذاکره شود. رئیس جمهور غنی قبل از سفر به پاکستان به چین سفر نموده بود و اظهار از مقامات چین خواسته بود که پاکستان را تشویق به آوردن صلح در افغانستان نماید. بعد از آن به ایالات متحده آمریکا سفر نمود. نتیجه این سفر ها شکل دهی گفتگوی چهار جانبه صلح شد. چهار دور نشست چهار جانبه صلح میان افغانستان، پاکستان، ایالات متحده آمریکا و چین در سطح بالا برگزار شد. دور پنجم اما، حضور نماینده های پایین رتبه افغانستان در اسلام آباد پاکستان دایر گردید. در آغاز نشست های چهار جانبه، حکومت افغانستان خوشبین بود که پاکستان نقش مثبتی بازی خواهد کرد اما، بعد از دور چهارم نشست چهار جانبه، مقامات کابل خوش بینی خود را از دست داد. اهمیت روابط با پاکستان برای کشوری مانند افغانستان بر کسی پوشیده نیست، اما

تهدید جدی برای افغانستان، پاکستان و دیگر کشورهای منطقه است. موجودیت چنین مدارس دینی، بر هیچ کسی پوشیده نیست. این مدارس در پاکستان تاریخ به درازای تاریخ خود پاکستان دارد و حکومت این کشور، در گذشته از موجودیت این ها منفعت برده است و برای شان منفعت استراتژیک داشته است. چنانچه که فعالیت مدارسی چون دیوبندی، حقانی ... پس از جدایی پاکستان از هند در سال های بعد، با ایدئولوژی جهاد خارجی در سایه حکومت پاکستان فعالیت دارد. بر اساس ایدئولوژی جهادی این مدارس، آزاد سازی مسلمانان در بیرون از قلمرو خاک پاکستان از جمله افغانستان، اولویت دارد. در گذشته این مدارس برای پاکستان تهدیدی نبود اما اکنون این مدارس نه تنها که برای کشورهای منطقه مثل گذشته، بلکه برای خود پاکستان نیز به تهدید جدی تبدیل شده است و عملاً از این کشور، قربانی می گیرد. رهبران گروه طالبان، شبکه ی حقانی و دیگر گروه های اسلام گرا، شاگردان همین مدارس هستند. لیستی را که وزارت خارجه افغانستان در اختیار پاکستان قرار داده، ۳۲ مدرسه ی آموزشی تروریستی را در بردارد که در ۱۳ ایالت پاکستان قرار داد. ایالت های بلوچستان، سند و خیبر پختونخواه، پناه گاه های گروه های اسلام گرا به شمار می روند. تجربه نشان داده است که حمایت از گروه های ایدئولوژیک بهره ببری از آن ها در سیاست های کشورها، نتایج ویرانگری را در پی دارد. اکنون پاکستان، افغانستان و دیگر کشورهای منطقه، هزینه ی چنین سیاست را می پردازد. لازم است که پاکستان در سیاست های خود در قبال گروه های تروریستی بازبینی کند و دست از حمایت وادار سازد که دست از حمایت گروه های تروریستی بردارد و در غیر آن مطابق پالیسی ها و قوانین بین المللی، تحریم هایی علیه آن وضع شود.

موجودیت مدارس بنیادگرای در پاکستان و بی توجهی این کشور به فعالیت این ها، نتیجه روابط کنونی میان افغانستان و پاکستان مشخص است. نتیجه آن ادامه جنگ در افغانستان و افزایش انفجار و انتحار در هر دو کشور می باشد. بدون شک ادامه سیاست های خصمانه و تهدید آمیز نمی تواند راه حل منطقی را برای عادی سازی روابط میان دو کشور پیشنهاد کند. در این راستا تلاش های اشرف غنی در جهت ایجاد منافع مشترک میان کشورهای منطقه یکی از فاکتور های برجسته است. این مسئله ظرفیت آوردن صلح و ثبات در افغانستان را دارد اما، آمدن صلح و ثبات در افغانستان منوط به سیاست پاکستان در این مورد است. اگر پاکستان اهمیت منافع مشترک منطقه ایی را جدی بگیرد و سیاست خود را نسبت به افغانستان تغییر دهد ما به صلح و ثبات دست می یابیم اما، اگر پاکستان منافع مشترک منطقه ایی را کم ارزش تر از سیاست کنونی خود در قبال افغانستان بداند و همچنان باورمند به این بماند که افغانستان باید کشور عمق استراتژیک باشد در آن صورت سخت و دشوار است که ما به صلح و ثبات دست یابیم.

در هر صورت ما نیازمند آتیم تا مناسبات خود را با پاکستان هدفمند سازیم. خود را براساس اصول و معیار های مشخص تعریف نمایم. روابط ما نباید مقطعی تعریف گردد. از این جهت، ضروری است که روابط ما با این کشور بر اساس اصول و معیار های مشخص و دراز مدت تعریف گردد. ما باید یک نوع تعادل در روابط خود میان هند و پاکستان به وجود آوریم. در وضعیت کنونی که ما پاکستان را متهم به حمایت از گروه های شورشی می کنیم؛ نباید با سیاست های واکنشی باز هم تیرگی بیشتری را در روابط با پاکستان ایجاد کنیم. پاکستان هم باید درک کند که تنها در سایه تأمین روابط حسنه با افغانستان است که می تواند امنیتش را از تأمین این روابط در پاکستان به امنیت افغانستان وابسته است و امنیت افغانستان به روابط حسنه میان دو همسایه و تقویت همکاری های صادقانه در برابر تروریسم و گروه های خوسنت طلب بستگی دارد.

بنابراین به نظر می رسد که حکومت های پاکستان و افغانستان نیاز به بازخوانی روابط میان دو کشور دارند و هر دو کشور باید تلاش کند تا با ارائه طرح منطقی و محاسبه شده مناسبات دو کشور را از نشیب های خطرناک و تنش آلود دور نگهدارند. در بر تو چنین رابطه، امکان امنیت و کاهش حملات انتحاری در دو کشور بیشتر می شود.



روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

The Daily Afghanistan Ma
The Daily Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine